

محقق به عنوان ابزار در تحقیقات کیفی: چالش‌ها و فرصت‌ها

نسیم بهرامی^۱، محمدعلی سلیمانی^{۲*}، آمنه یعقوب‌زاده^۳، هادی رنجبر^۴

۱. مربی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
۲. استادیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری سالمندان، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، قزوین، ایران
۴. مربی، مرکز تحقیقات مدل‌سازی در سلامت، پژوهشکده آینده‌پژوهی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ایران
* نویسنده مسئول مکاتبات: محمدعلی سلیمانی Soleimany.msn@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف:

پژوهشگران در پژوهش‌های کیفی هم بر فرایند تحقیق تأثیر می‌گذارند و هم از آن تأثیر می‌پذیرند. یکی از موضوعات اساسی در این پژوهش‌ها، اعتبار محقق به عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات است. اگر محقق از اعتبار کافی در جمع‌آوری اطلاعات برخوردار نباشد، نتایج حاصل از مطالعه نیز معتبر نخواهد بود. این نقش محقق در جمع‌آوری اطلاعات برای پژوهشگر فرصتی فراهم می‌آورد تا به دنیای ناشناخته افراد در مورد پدیده مورد نظر راه یابد و گاهی وی را در رسیدن به این مهم با چالش‌های گوناگونی مواجه می‌سازد. این مطالعه به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های محققین به عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات در تحقیقات کیفی پرداخته شده است.

مواد و روش‌ها:

مطالعه حاضر یک مطالعه مروری در مورد روش‌شناسی تحقیقات کیفی بود که با استفاده از کلمات کلیدی تحقیق کیفی، ابزار، چالش‌ها، فرصت‌ها بدون در نظر داشتن محدودیت زمانی، مطالعات در دسترس در پایگاه‌های داده‌ای ScienceDirect, Scopus, PubMed و Magiran, ProQuest, SID, IranDoc, SCI, Medlib و IranMedex و همچنین برخی از کتب مربوطه بررسی شدند.

یافته‌ها:

بررسی‌های انجام شده بر روی ۱۰ کتاب و ۱۸ مقاله مشخص نمود که نقش محقق می‌تواند در تحقیقات کیفی از جمله پدیدارشناسی، نظریه زمینه‌ای، مردم‌نگاری و تحلیل محتوا متفاوت باشد. همچنین تجربیات قبلی و مهارت‌ها در فرایند مشاهده، مصاحبه، برقراری ارتباط مؤثر و پرسشگری سؤالات مناسب تأثیر بسزایی در اهمیت نقش محقق به عنوان عامل کلیدی در انجام انواع مختلف تحقیقات کیفی دارد.

نتیجه‌گیری:

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که در انواع تحقیقات کیفی، نقش محقق بعنوان ابزار اصلی بخصوص در جمع‌آوری داده‌ها اهمیت می‌یابد. بصورتی که حضور پژوهشگر عامل اعتباربخشی به داده‌ها به شمار می‌رود. تجربیات و مهارت‌ها، توانایی برقراری ارتباط، پرسشگری و سؤالات مناسب از مهم‌ترین عواملی هستند که تأثیر بسزایی در انجام تحقیقات کیفی به روش مناسب دارند.

واژه‌های کلیدی:

تحقیق کیفی، ابزار، چالش، فرصت

مقدمه

تعیین و محدود کردن مشکلات مورد پژوهش و کاهش اثرات متغیرهای جانبی یا خارج کردن متغیرهایی که نباید وارد مطالعه شوند، استفاده می‌کنند. بر همین اساس تجزیه و تحلیل آماری در جهت سازمان‌دهی اطلاعات، تعیین ارتباط معنی‌دار و یا بررسی اختلافات میان گروه‌ها به کار گرفته می‌شود (Nourouzi and Bidhendi, 2010).

تحقیقات کیفی کوششی مستمر، سازمان‌دار و ذهنی و برای کشف معانی تجارب روزمره است (Abedi, 2010). در رویکرد کیفی، بحث معنا‌یابی و معنا‌کاوی مطرح است و این از طریق اعمال وجود خود محقق ممکن خواهد بود (Burns and Grove, 2010). محققین کیفی با گفتگو یا مشاهده افرادی که در مورد پدیده تحت مطالعه تجارب دست اول دارند، کار خود را شروع می‌کنند. بحث و مشاهده، ساختار آزادی دارد تا به بیان حیطه کاملی از عقاید، احساسات و رفتارها بپردازد. تحلیل و تفسیر بصورت مداوم و همزمان صورت می‌گیرد که در آن فرد به نمونه بعدی و پرسیدن سؤالات بعدی هدایت می‌شود (Delavar, 2009). پژوهشگران کیفی امیدوارند به وسیله مصاحبه دقیق، مشاهده مشارکت‌کنندگان و توصیف دقیق، بتوانند به دیدگاه شرکت‌کنندگان نزدیک شده و به تجارب زیسته آن‌ها دست یابند. هر یک از روش‌های پژوهش کیفی رویکردهای خاص خود را دارند تا داده‌ها را جمع‌آوری و تحلیل کرده و نتایج را ارائه دهند. با این وجود بین روش‌های مختلف جمع‌آوری داده‌های کیفی شباهت‌هایی وجود دارد (Hallberg, 2006).

در محیط و شرایط طبیعی که لازمه انجام تحقیقات کیفی است، نمی‌توان تأثیر حضور محقق را تحت کنترل درآورد. محقق برای افزایش فهم مسئله، تجربیات فردی خود را به مطالعه وارد می‌کند. بنابراین در فرایند انجام پژوهش‌های کیفی، فضای لازم برای بازیگری و حضور فعال محققان در میدان تحقیق گشوده شده و به بیانی دیگر عرصه تنگ عاملیت

امروزه تحقیق و پژوهش در عرصه‌های مختلف، از اهمیت زیادی برخوردار است. بی‌تردید پژوهش و تحقیق راه حل شناخته شده بشر در حل مسائل و مشکلات پیش‌رو و توسعه مرزهای دانش است (Feyz, 2010). در واقع، پژوهش به واسطه اکتشافاتی که انجام می‌دهد، ایده‌هایی را به تأیید می‌رساند و یا رد می‌کند (Rouhani, 2010)، بنابراین انتخاب روش تحقیق و تأکید بر علمی بودن آن از اهمیت زیادی برخوردار است. پژوهش‌های کمی و پژوهش‌های کیفی دو نوع اصلی پژوهش در علوم رفتاری و علوم اجتماعی هستند. پژوهش‌های کمی مبتنی بر اثبات‌گرایی است و هدف اصلی آن اندازه‌گیری عینی دنیای اجتماعی، آزمودن فرضیه و پیش‌بینی و کنترل رفتار انسان است (Khanifar and Zarvandi, 2010). در مقابل، مطالعات کیفی، فرصتی را برای دستیابی به دنیای درونی مشارکت‌کنندگان فراهم می‌کند و با تبیین پدیده‌هایی از قبیل زندگی شخصی، تجربیات، هیجانات و احساسات، جنبش‌های اجتماعی و تعاملات در زمینه فرهنگی به توضیح آن‌ها می‌پردازد (Corbin and Strauss, 2014). علی‌رغم وجود چندین روش گوناگون در انجام روش‌های تحقیق کیفی، درک عمیق و جامع‌چرایی و چگونگی پدیده‌ها، رسالت تمامی این روش‌ها در نظر گرفته می‌شود (Brockopp and Hastings, 2003).

نقش پژوهشگر در رویکردهای مختلف پژوهش‌های کیفی و پژوهش‌های کمی، واضح است. به بیانی دیگر در انجام هیچ رویکرد پژوهشی نمی‌توان عامل انسان را به عنوان محقق نادیده گرفت (Ranjbar, et al., 2012). در تحقیقات کمی، پژوهشگر بر این فرض است که می‌توان درباره پدیده‌های مورد مطالعه با سؤالات تحقیق و با استفاده از روش‌های تحقیق توصیفی یا آزمایشی در شرایط کنترل شده به شناخت کافی دست یافت. به عبارت دیگر، در مطالعات کمی برای جمع‌آوری داده‌های با کیفیت، محققان از ابزارهای اندازه‌گیری دقیق و صحیحی برای

شود، آگاهی یابند. البته این امر مستلزم در نظر گرفتن دقیق پدیده تحت مطالعه و همچنین راه‌های تأثیر بالقوه پیش‌فرض‌ها و رفتارهای خود محقق بر فرآیند تحقیق است. بازاندیشی نیازمند آن است که ارزش‌ها و شرایط محقق بررسی شده و سوگیری‌ها و پیش‌قضاوت‌ها صریح و آشکار شوند. از آن‌جا که این موارد ممکن است برای محقق ناشناخته باشند شناسایی پیش‌فرض‌ها و تبادل نظر، چالش برانگیز است. بعنوان مثال محقق باید انگیزه‌های شخصی‌اش را برای انجام تحقیق مشخص نماید (Corbin and Strauss, 2014).

یکی دیگر از موضوعات اساسی در تحقیقات کیفی اعتبار خود محقق به عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات است. اعتبار محقق در جمع‌آوری اطلاعات یکی از چالش‌های اساسی در تحقیقات کیفی است. تا محقق از اعتبار کافی در جمع‌آوری اطلاعات برخوردار نباشد، نتایج حاصل از مطالعه نیز قابل استناد نخواهد بود. این در حالی است که روش‌های گوناگونی از قبیل توصیف از خود^۱، درگیری طولانی^۲، مشاهدات مداوم^۳، تلفیق^۴، کفایت ارجاعی^۵، گزارش به همتایان^۶، کنترل اعضا^۷ و تجزیه و تحلیل مورد منفی^۸ جهت بهبود اعتبار محقق در تحقیقات کیفی وجود دارد (Corbin and Strauss, 2014).

مواد و روش‌ها:

مطالعه حاضر یک مطالعه مروری در مورد روش شناسی تحقیقات کیفی بود که با مرور جامع و عمیق بر روی ۱۰ کتاب و ۱۸ مقاله و با استفاده از شبکه جهان‌گستر بدون در نظر داشتن محدودیت زمانی انجام شد. مطالعات با استفاده از کلید واژه‌های تحقیق کیفی، نمونه‌گیری، ابزار، چالش‌ها، فرصت‌ها در پایگاه‌های اطلاعاتی انگلیسی زبان PubMed، Scopus، ScienceDirect و ProQuest و در پایگاه‌های فارسی زبان IranMedex و Medlib، SID، IranDoc، SCI، Magiran بررسی شد. پس از جست‌وجو، مناسب‌ترین مطالعات از نظر پوشش جنبه‌های مختلف موضوع انتخاب شدند و مورد ارزیابی قرار گرفتند که در ادامه به نقش محقق به عنوان ابزار جمع‌آوری داده‌ها در روش‌های مختلف تحقیق کیفی پرداخته خواهد شد. علاوه بر آن سعی شده است تا با ذکر مقالات مختلف بیشتر به نقش محقق در این‌گونه تحقیقات پرداخته

و حضور آنان در این نوع پژوهش‌ها باز می‌شود. در تحقیقات کیفی، محقق با بهره‌گیری از رویکردی کل‌نگرانه، به دنبال یافتن مفاهیم پیچیده پدیده‌ها می‌باشد (Nourouzi and Bidhendi, 2010) و اطلاعات کیفی مطالعه از نگاه عمیق به پدیده‌ها حاصل می‌آید (Gall, et al., 1996). در واقع، محققین کیفی خودشان ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها هستند و گام‌هایی را برای موثق بودن داده‌ها برمی‌دارند. در این رابطه، محقق درصد است تا نشان دهد داده‌های بدست آمده به درستی، تجربیات و نقطه نظرات شرکت‌کنندگان را منعکس می‌کنند و صرفاً حاصل احساس و درک محقق نیستند. بنابراین در تحقیقات کیفی، نمی‌توان ارزش محقق را در فرایند انجام تحقیق نادیده گرفت. از این رو مسئله تحقیق، انتخاب روش جمع‌آوری داده‌ها است و تحت تأثیر ارزش‌های پژوهشگر قرار دارد (Feyz, 2010).

نظر به نقش محقق به عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات در تحقیقات کیفی، پرسیدن و پرسشگری یکی از نقش‌های مهمی است که می‌توان برای محقق قائل شد. یکی از دغدغه‌های هر پژوهشگر چگونگی پرسیدن سؤالات خوبی است که پژوهش را به یک نتیجه‌گیری مولد برساند. پرسش‌های مختلف در قسمت‌های متفاوتی از پژوهش مطرح می‌شوند. در ابتدای پژوهش، پرسش اصلی در مورد تمرکز پژوهش است؛ پدیده اصلی در این حیطه از پژوهش چیست؟ پس از تعیین این پاسخ، پرسش‌های اختصاصی‌تری در مورد خود پدیده و چگونگی ارتباط آن به سایر وقایع مطرح می‌شود. در پایان نیز پرسش‌هایی مبنی بر اینکه چگونه داده‌ها به صورت فرمول یکپارچه تئوریک درآیند، مورد سنجش قرار می‌گیرند. بعد از این مرحله نیز جزئیات زیادی باید روشن شوند که با پرسیدن سؤالات جزئی‌تر صورت می‌گیرد (Corbin and Strauss, 2014). در واقع، پژوهشگران کیفی، سؤالاتی مولد و قابل تغییر را برای انجام پژوهش خود بکار می‌گیرند که در مسیر انجام مطالعه و با توجه به شرایط و موقعیت تکامل می‌یابد (Khanifar and Zarvandi, 2010).

در تحقیق کیفی چون محقق ابزار جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن است، بازاندیشی ضروری است. فرایند بازاندیشی زمانی شروع می‌شود که فرد به تجربه خود مراجعه نموده، آنچه را که به وقوع پیوسته مجدداً جمع‌آوری و تجربه را دوباره پیش‌رو گذاشته و به ارزشیابی مجدد آن پردازد. سؤال دیگر این است که چرا باز اندیشی مهم است؟ صاحب‌نظران ادعا می‌کنند که محققان از طریق انعکاس و تأمل ممکن است از آنچه به آن‌ها اجازه دیدن می‌دهد و هر آنچه ممکن است مانع دیدن آن‌ها

1. self-description
2. prolonged engagement
3. persistent observations
4. triangulation
5. referential adequacy
6. peer debriefing
7. member check
8. negative case analysis

تجربه خاص بیان کرده است. در مرحله سوم محقق آنچه را که از پدیده مورد بررسی درک نموده است به مقوله‌های مفهومی که در واقع جوهره تجربه اصلی هستند، تبدیل می‌کند. در مرحله چهارم محقق این جوهره‌ها را به نوشته‌هایی تبدیل می‌سازد که حاوی افکار وی درباره این تجربیات بوده و منعکس کننده توصیفات و یا اعمال شرکت‌کنندگان است.

در هر یک از این مراحل ممکن است اطلاعاتی از دست رفته یا اضافه گردد؛ بنابراین مهم است که شرکت‌کنندگان توصیف نهایی را بخوانند تا محقق اطمینان یابد که چیزی کم یا زیاد نشده است. مرحله پنجم زمانی است که محقق نوشته‌ها را تبدیل به دانسته‌هایی می‌کند که می‌تواند تمام مراحل قبلی را روشن نماید. هدف از این نوشته‌های نهایی که اغلب تحت عنوان "شرح کامل" نامیده می‌شوند، انعکاس معنی تجربه به صورت تمام و کمال و بدون از دست رفتن غنای داده‌ها است (Alvandi and Boudlaei, 2010; Speziale, et al., 2011).

علاوه بر مراحل فوق، محقق باید برای دست یافتن به داده‌هایی که در اختیار شرکت‌کنندگان است دارای برخی از ویژگی‌ها باشد. توانایی برقراری ارتباط روشن و کمک به شرکت‌کنندگان در بیان راحت تجربیاتشان از ویژگی‌های ضروری برای یک محقق پدیدارشناسی است. محقق، ابزاری برای جمع‌آوری داده‌ها است و باید عامل تسهیل‌کننده برای جمع‌آوری داده‌ها باشد. محقق باید بداند که ویژگی‌های فردی ممکن است بر جمع‌آوری داده‌ها اثر بگذارند. به همین دلیل، محققان باید به این سؤال پاسخ دهند که آیا آن‌ها افراد مناسبی برای دسترسی به تجربیات یک گروه خاص یا یک شخص هستند؟ موارد یاد شده می‌توانند برای محققین کیفی که فاقد تجربه کافی هستند به عنوان یک چالش و برای محققینی که کارآمد هستند فرصتی برای دستیابی به تجارب زیسته شرکت‌کنندگان باشند (Speziale, et al., 2011).

نقش محقق در تحقیقات نظریه زمینه‌ای

نظریه زمینه‌ای یک روش تحقیق کیفی است که برای کشف فرایندهای اجتماعی و تعاملات انسانی به کار می‌رود. در این روش، محقق کلیه فرایندهای اجتماعی و ساختار آن را از طریق اطلاعات و داده‌های تجربه شده درک و شرح می‌دهد. در حقیقت محقق در پی شناخت فرایند و چگونگی ارتباط پدیده مورد مطالعه است و منجر به تبیین نظریه یا تئوری می‌شود (Nourouzi and Bidhendi, 2010). مهارت‌های مورد نیاز برای انجام این تحقیقات شامل توانایی برگشت به عقب و تحلیل

شده و چالش‌ها و فرصت‌هایی که محقق به عنوان ابزار در هر کدام از رویکردها با آن مواجه است مورد بحث و بررسی قرار گیرند.

یافته‌ها:

یافته‌های حاصل از این مطالعه براساس مرور تحقیقات انجام شده در سه قسمت نقش محقق در تحقیقات پدیدارشناسی، نظریه زمینه‌ای، مردم‌نگاری و تحلیل محتوا ارائه شده است که بشرح زیر می‌باشد:

نقش محقق در تحقیقات پدیدارشناسی

اصطلاح پدیدارشناسی به لحاظ مفهومی به دو دوره تاریخی پیش از هوسرل^۱ و پس از هوسرل قابل تقسیم است. در مقطع زمانی پیش از هوسرل، پدیدارشناسی عمدتاً فهم و ادراک هستی را مورد توجه قرار می‌داد، اما در دوره زمانی پس از هوسرل، پدیدارشناسی با نوعی تکثر مفهومی مواجه شد. با این تقسیم‌بندی، پدیدارشناسی دو تعریف توصیفی و تفسیری پیدا می‌کند. هوسرل پدیدارشناسی را فهم و توصیف پدیده و علم به تجربه هر پدیده خاصی دانست. بعد از آن توسط هایدیگر و گادامر^۲ بیشتر به سمت تفسیر تجربه زیستی گسترش پیدا کرد (Emami, et al., 2012). در هر حال همه روش‌های توصیفی و تفسیری هدف مشابهی دارند و هدف اصلی روش‌های تحقیق پدیدارشناسی، از خلق یک توصیف جامع از پدیده تجربه شده برای دستیابی به درک ساختار ذاتی آن تا ارائه مفهوم تفسیری از درک پدیده (بیش‌تر از توصیف آن) متغیر است (Emami et al., 2012).

با توجه به آن که محقق در جست‌وجوی الگوی رفتاری افراد در یک محیط یا فرهنگ خاص است (Abedi, 2010)، نقش ویژه‌ای در تغییر شکل اطلاعات و تبدیل تجربیات زندگی به توصیفی از یک پدیده خاص دارد. نقش‌های محقق را در مراحل مختلف تحقیق پدیدارشناسی به شرح زیر عنوان شده‌اند: مرحله اول هنگامی روی می‌دهد که تجربیات افراد بصورت کلام در می‌آیند. در طی این مرحله محقق از طریق تعامل کلامی، فرصتی را برای در میان گذاشته شدن تجربیات زنده فراهم می‌آورد. در مرحله دوم تغییر وقتی اتفاق می‌افتد که محقق آنچه را که دیده یا شنیده به صورت "درک تجربه اصلی" درمی‌آورد. از آنجا که هیچ‌کس نمی‌تواند آنچه را که دیگری تجربه کرده دقیقاً به همان صورت تجربه نماید، بنابراین محقق باید به داده‌هایی متکی باشد که شرکت‌کننده در مورد یک

1. Husserl
2. Heidegger and Gadamer

نقادانه موقعیت، شناخت سوگیری‌ها و دوری از آن‌ها، بدست آوردن داده‌های معتبر و قابل اعتماد و توانایی تفکر انتزاعی می‌باشد. برای هدایت یک بررسی از نوع نظریه زمینه‌ای، محقق باید از مهارت‌های ارتباطی، مشاهده‌ای و نوشتاری خوبی نیز برخوردار باشد تا بتواند آنچه را که یاد گرفته با درجه بالایی از صحت به صورت کلمات در آورد (Corbin and Strauss, 2014). در تحقیقات طبیعت‌گرایانه^۱ محقق سعی نمی‌کند که خود را از مطالعه جدا کند. وی کاملاً واقف است که خود در تحقیق نقش دارد. نظر به اینکه تحقیق نظریه زمینه‌ای نیاز به تعامل بین فردی دارد، بنابراین محقق به طور اجتناب‌ناپذیری به صورت بخشی از مشاهدات روزمره‌اش در می‌آید. به همین دلیل، محقق باید از پیش‌دانسته‌ها، ارزش‌ها و عقاید خود آگاه باشد. تنها از طریق خودآگاهی است که محقق می‌تواند شروع به جستجو و درک جهان دیگران نماید (Speziale, et al., 2011). در نظریه زمینه‌ای، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها از ابتدا با یکدیگر همراه و موازی هستند و با یکدیگر تعامل مداوم دارند. بنابراین فرآیند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به صورت همزمان اتفاق می‌افتند. تحلیل داده‌های پیاده‌سازی شده، یک فرآیند ساختارمند است. مصاحبه‌های پیاده شده به صورت خط به خط خوانده شده و پژوهشگر می‌بایست از داده‌ها پرسش‌هایی از این قبیل بپرسد که «این داده‌ها در مورد چه چیزی هستند؟» و «چه اتفاقی واقعاً اینجا در حال رخ دادن است؟». هدف از این مرحله به وجود آوردن کدها است، جایی که اطلاعات انتزاعی از مصاحبه‌ها کدگذاری شده و سپس داده‌های کدگذاری شده برای شناسایی الگوها و دسته‌بندی‌ها به دقت بررسی می‌شوند. سپس محقق شروع به نوشتن اولین اندیشه‌ها در ارتباط با گزارش تحقیق می‌کند (Steen and Roberts, 2011).

یکی از ابزارهای اصلی تحلیل، پرسشگری است. هدف، مطرح کردن پرسش‌های خوبی است تا به تکامل نظریه کمک کنند. پرسش‌های محوری در این بخش، چه کسی، چه زمانی، چرا، کجا، چه چیزی و چگونه هستند. باید به خاطر داشته باشیم که پرسش‌ها برای تولید داده مورد استفاده قرار نمی‌گیرند بلکه برای ایجاد ایده‌های جدید و نگاه به داده‌ها بکار گرفته می‌شوند (Corbin and Strauss, 2014). در پژوهشی محقق پس از توضیح هدف مطالعه، انجام مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختارمندی را آغاز کرد. سؤالات از پیش تعیین شده از بیماران مبتلا به پارکینسون در امر خودمراقبتی پرسیده شد و به منظور کسب

نقش محقق در تحقیقات مردم‌نگاری

مردم‌نگاری یکی از روش‌های کیفی تحقیق در علوم انسانی است. در این روش محقق با درگیری در میدان تحقیق به توصیف اعتقادات، فرهنگ و شیوه زندگی افراد پژوهش می‌پردازد. بنابراین مردم‌نگاران از نزدیک زندگی گروه خاصی را بررسی می‌کنند و با آشنایی با زمینه فرهنگی و اجتماعی زندگی‌شان، آن را مستند می‌کنند (Briggs, 2013). محقق مردم‌نگار برای دسترسی آشکار و تلویحی باید نقش خود را برای کشف دانش فرهنگی بشناسد. چون محقق به صورت ابزار درمی‌آید، باید از نقش خود به عنوان یک ابزار آگاه باشد. نقش ابزاری محقق ایجاب می‌کند که وی در آن فرهنگ شرکت کرده و شرکت‌کنندگان را مشاهده، مشاهدات را ثبت، مصنوعات را جمع‌آوری و با اعضای آن فرهنگ مصاحبه کند و در نهایت یافته‌ها را تحلیل و گزارش نماید (Corbin and Strauss, 2014). بنابراین دسترسی به فرهنگ و مشاهده مشارکت‌کنندگان دو عامل در جمع‌آوری و ثبت دقیق داده‌ها در مطالعات مردم‌نگاری هستند که در زیر به آن پرداخته شده است.

دسترسی به فرهنگ:

پس از مشخص کردن حوزه تمرکز، مشکل‌ترین گام، دسترسی به فرهنگ مورد مطالعه است. گاهی محقق موقعیتی را مطالعه می‌کند که نیازی به گرفتن اجازه از گروه ندارد. به عنوان مثال، برای بررسی فرهنگ افرادی که برای گرفتن دارو به یک داروخانه مراجعه می‌کنند، ممکن است اجازه گرفتن لازم نباشد. اما اگر فرهنگ کارکنان در یک درمانگاه سربایی مدنظر باشد، گرفتن اجازه لازم است. آسان‌ترین راه دسترسی وقتی است که محققین هدف مطالعه را به روشنی بیان کرده و چگونگی حفظ محرمانه بودن اطلاعات شرکت‌کنندگان را شرح داده‌اند. علاوه بر این، دادن پیشنهاد همکاری در محیط مورد مطالعه، ممکن

1. naturalistic

جمع‌آوری داده‌ها در تحقیق قوم‌نگاری چگونه است؟ میزان مشاهدات در طول یک طیف از مشاهده کامل، مشاهده‌گر نسبی، مشاهده‌گر به عنوان شرکت‌کننده و شرکت‌کننده کامل می‌تواند متغیر باشد (Briggs, 2013).

اگر محقق بر روی گروهی از افراد مطالعه می‌کند که زبان آن‌ها را نمی‌داند و برای برقراری ارتباط نیاز به مترجم دارد، در این صورت یک مشاهده‌کننده کامل است. اصطلاح "مشاهده‌گر نسبی" در جایی به کار برده می‌شود که محقق تا اندازه‌ای با زبان گروه تحت مطالعه آشنایی داشته و دانش قابل توجهی درباره گروه مورد مطالعه دارد. سومین سطح مشاهده به صورتی است که "مشاهده‌کننده به عنوان شرکت‌کننده" ظاهر می‌شود. در این حالت محقق به عنوان عضوی از گروه هر دو نقش را بازی می‌کند. یکی به عنوان عضو شرکت‌کننده در گروه و دیگری به عنوان یک مشاهده‌کننده، که اعضای گروه نیز از این نقش مطلع هستند. محقق وقتی بصورت شرکت‌کننده کامل در می‌آید که هدف خود را از انجام مطالعه مخفی نگه داشته و شرکت‌کنندگان از نقش وی به عنوان مشاهده‌کننده آگاه نباشند (Dempsey and Dempsey, 2000).

به عنوان مثال، در مطالعه‌ای تحت عنوان "تحقیقات مردم-نگاری در رفتارهای پرخطر بیماران مبتلا به ایدز و شناسایی سیاست‌های مربوطه" انجام دادند. آنان معتقد بودند که استفاده از مطالعات مردم‌نگاری زمانی که نگرانی در سطح جامعه مطرح است و با استفاده از روش‌های مطالعاتی دیگری از قبیل روش‌های نیمه تجربی یا اپیدمیولوژی قابل کنترل نیست، اجرا می‌شود. حضور محقق سبب کشف ساختارها، شناسایی تعاملات افراد و رفتارهای بکار گرفته در مورد مسئله ایجاد شده می‌باشد تا بتوان رفتارهای پرخطر ناشی از تزریق مواد را در مصرف‌کنندگان و شرکای جنسی آنان را که در معرض HIV هستند، تغییر داد. همچنین پژوهشگر، برنامه‌ها و سیاست‌های اجرایی در جامعه را زیر نظر داشته تا با اجرای برنامه‌های آموزشی در زمینه افزایش آگاهی گروه مبتلا، با تعویض سرنگ، موجب ارتقا سطح دانش و سلامتی در سطح ملی شود (Weeks and Schensul, 2014).

نقش محقق در تحلیل محتوای کیفی

تحلیل محتوای کیفی، یکی از روش‌های تحقیق است که برای تحلیل داده‌های متنی کاربرد فراوان دارد. تحقیقات کیفی مردم‌نگاری، نظریه زمینه‌ای، پدیدارشناسی و تحقیقات تاریخی از جمله موارد دیگری هستند که می‌توان در آن‌ها از روش تحلیل محتوا سود جست. تحلیل محتوای کیفی تمرکز بر

است توانایی محقق را برای کسب اجازه ورود به موقعیت اجتماعی افزایش دهد. پژوهشگر از طریق همکاری افتخاری، نه تنها فرصت مناسبی برای انجام مشاهدات به دست می‌آورد، بلکه پس از ماندن در محیط برای مدتی طولانی، به صورت بخشی از آن فرهنگ در می‌آید (Goetz and LeCompte, 1984). (Corbin and Strauss, 2014).

مشاهده مشارکت‌کننده:

کار در عرصه، با پرسیدن سؤالاتی درباره فرهنگ مورد مطالعه آغاز می‌شود. ابتدا سؤالات وسیعی مطرح می‌شوند. مثلاً اگر فرهنگ یک درمانگاه سرپایی مورد توجه باشد، اینگونه سؤالات مطرح می‌شوند چه کسانی در درمانگاه کار می‌کنند؟ چه کسانی برای دریافت مراقبت به درمانگاه مراجعه می‌کنند؟ محیط فیزیکی درمانگاه چگونه است؟ چه کسانی به مددجویان مراجعه کننده به درمانگاه، خدمات ارائه می‌دهند؟ (Bogdan and Biklen, 1997; Corbin and Strauss, 2014). محقق علاوه بر مطرح کردن سؤالات، مشاهدات را نیز آغاز می‌کند. استراوس و کوربین به نقل از اسپرادل (1980) سه نوع مشاهده توصیفی، متمرکز و انتخابی را عنوان می‌نمایند. برای مشاهدات توصیفی، محقق وارد موقعیت اجتماعی شده و با مروری بر موقعیت از وضعیت کلی با خبر می‌شود. پس از پایان این نوع مشاهده، مشاهدات توصیفی متمرکزتری آغاز می‌شود. این مشاهدات حاصل سؤالاتی هستند که محقق در طول مرحله توصیفی مقدماتی پرسیده است. برای مثال، محقق هنگام حضور در درمانگاه در می‌یابد که پرسنل، مسئول آموزش‌های مربوط به سلامتی هستند. در این مثال، برای بررسی انواع آموزش‌های مربوط به سلامتی که توسط پرستاران انجام می‌شود، مشاهده متمرکز صورت می‌گیرد. بر اساس مشاهدات متمرکز مشاهدات انتخابی‌تری انجام می‌شود. برای مثال محقق مشاهده می‌کند که تنها دو نفر از هفت پرستار حاضر در درمانگاه به آموزش مددجویان مبتلا به ایدز می‌پردازند. مصاحبه یا مشاهده انتخابی این دو پرستار به سؤالاتی درباره اینکه چرا سایر اعضای درمانگاه مانند آن‌ها رفتار نمی‌کنند، پاسخ می‌دهد. باید در نظر داشت که مشاهده‌ها و مصاحبه‌ها به ترتیبی که ذکر شد انجام نمی‌شود و در هر مشاهده‌ای می‌توان سؤالات انتخابی، متمرکز و یا گسترده مطرح نمود. علاوه بر این، منظور از مشاهده، صرفاً نگاه کردن به موضوعات نیست، بلکه محقق از طریق مشاهده نگاه می‌کند، گوش می‌دهد، سؤال می‌پرسد و مصنوعات را گردآوری می‌کند (Corbin and Strauss, 2014). حال این سوال مطرح می‌شود که میزان مشاهدات در

تعاملات اجتماعی بیماران مبتلا به پارکینسون صورت گرفت. بدین منظور مصاحبه نیمه ساختاریافته و عمیق با ده نفر از شرکت‌کنندگان در این تحقیق کیفی صورت گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوا و به منظور شناسایی ادراکات و تجربیات بیماران از تعاملات اجتماعی انجام شد. داده‌ها با طرح سؤال اصلی "بیماری پارکینسون چه تأثیری را بر تعاملات اجتماعی خواهد داشت؟" جمع‌آوری شدند. تحلیل محتوای کیفی این مطالعه نشان داد که بروز اختلالاتی از جمله ناتوانی پیش‌رونده جسمانی، اختلالات خلقی، کاهش فعالیت اجتماعی و مزوی شدن، تعاملات اجتماعی بیماران مبتلا به پارکینسون را تحت تأثیر قرار می‌دهد و چالش‌هایی را برای حفظ روابط و تعاملات اجتماعی این گروه ایجاد می‌کند (Soleimani, et al., 2014).

بحث و نتیجه‌گیری

در مجموع از نتایج بدست آمده از بررسی متون چنین می‌توان اظهار نمود که در تحقیقات کیفی، محقق به عنوان ابزار در نظر گرفته می‌شود؛ بدین معنا که محقق از خود به صورت یک ابزار اولیه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده می‌کند. تجربیات قبلی و مهارت‌ها در فرایند مشاهده، مصاحبه و برقراری ارتباط باید مورد استفاده قرار گیرد تا موجب ایجاد و تقویت اعتماد به نفس و توجه در پژوهش شوند. علاوه بر این، نقش محقق در میزان مشارکت و حفظ روابط مؤثر بوده و به یافتن اطلاعات دقیق و صحیح کمک می‌کند. با توجه به این موارد می‌توان تجربیات و مهارت‌ها، توانایی برقراری ارتباط، پرسشگری سؤالات مناسب را از مهم‌ترین عوامل دانست که تأثیر بسزایی در انجام تحقیقات کیفی به روش مناسب خواهد داشت (Pope, et al., 2000).

انجام تحقیق بویژه تحقیقات کیفی، نیازمند مجموعه‌ای از مهارت‌ها و تجربیات و نیز درگیر شدن در برخی از چالش‌های خاص می‌باشد، زیرا طبیعت این گونه تحقیقات چنین است (Khanifar and Zarvandi, 2010). در واقع پژوهش‌های کیفی براساس تجربه پژوهشگر و تعبیر و تفسیر وی از موقعیت آغاز می‌شود (Yin, 2013). کسب تجارب یعنی شناخت نسبت به زمان و مکان بوده و محدود به اشیا مادی نیست، بلکه این تجربه‌ها، اندیشه‌ها، دردها، عواطف و خاطرات را شامل می‌شود (Emami, et al., 2012). در پژوهش‌های مختلف به اهمیت نقش تجارب محقق بویژه در تحقیقات مربوط به سلامتی و بیماری اشاره شده است. این عامل به عنوان منبع منحصر به فردی در نظر گرفته می‌شود که به پژوهش ارزش و شکل

مشخصات زبان به منزله وسیله ارتباطی برای بدست آوردن معنا و محتوای متن دارد (Iman and Noshadi, 2011). این داده‌ها ممکن است بصورت متن‌های شفاهی، چاپی یا الکترونیکی، پرسش‌های باز یا بسته، گروه‌های متمرکز، مشاهدات یا رسانه‌های چاپی مانند مقالات باشند (Kondracki, et al., 2002). در واقع تحلیل محتوا را می‌توان به ظهور شهودی در کند و کاو معنای نمادین پیام‌ها دانست (Krippendorff, 2012). ارزش تحلیل محتوا در فرصت و امکانی است که برای مقایسه کردن در حین تحقیق برای پژوهشگر فراهم می‌کند. بسیاری از مطالعاتی که در قالب تحلیل محتوا صورت می‌گیرند، نوعی بررسی واقعیت به شمار می‌روند؛ بدین صورت که نمایش گروه، صفت یا پدیده در مقایسه با استاندارد که از زندگی واقعی بدست آمده، ارزیابی می‌شود. هدف تحلیل محتوا، استنباط، استنتاج و شناخت نسبی شرایط تولید موضوع یا به عبارتی شناسایی اهداف، ارزش‌ها، فرهنگ و تمایلات فرد مصاحبه‌شونده می‌باشد (Monadi, 2010).

تحلیل محتوا یک شیوه پژوهشی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام‌های ارتباطی بکار می‌رود (Lombard, et al., 2002). از نظر برخی از پژوهشگران، تنها توجه به ظاهر محتوای پیام ارزش چندانی نداشته و یک پژوهشگر باید استنباط و قضاوت خود را بکار برد و محتوای پنهان یک پیام ارتباطی را نیز توصیف کند (Kondracki, et al., 2002). به هر حال می‌توان گفت که محققان به تحلیل محتوا به منزله روشی انعطاف‌پذیر برای تحلیل اطلاعات توجه ویژه‌ای دارند. در حقیقت تکنیک تحلیل محتوا، حد واسطی بین روش‌های تجزیه و تحلیل‌های کمی و کیفی است که در آن محتوای داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. در این روش ابتدا مضامین نهفته در محتوای داده‌ها استخراج و کدبندی می‌شوند، سپس هر یک از این مفهومی‌ها بر اساس برخی از خصوصیات مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. این روش به محققان اجازه می‌دهد که اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه‌ای ذهنی ولی با روش علمی تفسیر کنند. نقش محقق در تحلیل محتوای کیفی هفت مرحله را در بر می‌گیرد: (۱) تنظیم کردن پرسش‌های تحقیقی که باید پاسخ داده شوند، (۲) برگزیدن نمونه مورد نظر که باید تحلیل شود، (۳) مشخص کردن رویکرد تحلیل محتوایی که باید اعمال شود، (۴) طرح-ریزی فرایند رمزگذاری، (۵) اجرا فرایند رمزگذاری، (۶) تعیین اعتبار و پایایی و (۷) تحلیل نتایج حاصل از رمزگذاری (Iman and Noshadi, 2011). برای مثال مطالعه‌ای به منظور بررسی

مقصودها، اتفاقات و رویدادهای گذشته افراد را مشاهده کند. در این شرایط نیاز است تا با طرح سؤالات مناسبی آن‌ها را کشف نماید. محقق همچنین باید در نظر داشته باشد که به منظور درک بهتر، سؤالات را به شیوه‌های گوناگون مطرح کرده و برای دریافت پاسخ، فرصت تفکر را برای مصاحبه‌شونده فراهم کند (Delavar, 2009). بنابراین پژوهشگران کیفی، بجای ساخت ابزار، بهتر است از مجموعه‌ای از سؤالات مولد و قابل تغییر برای انجام پژوهش خود استفاده کنند که در مسیر انجام مطالعه با توجه به شرایط و موقعیت تکامل یابد (Krauss, 2005). در واقع محقق با پرسش سؤالاتی در طول مصاحبه که به صورت دقیق به بیان ضرورت موضوع پرداخته است، اقدام به تفسیر می‌کند (Delavar, 2009).

چنین به نظر می‌رسد که بر خلاف تحقیقات کمی، در تحقیقات کیفی نقش محقق به عنوان ابزار بسیار مهم و حیاتی است. در تحقیقات کمی بجای محقق، فرد دیگری نیز می‌تواند از طریق چک لیست یا پرسشنامه خود گزارش‌دهی، داده‌های مورد نظر را جمع‌آوری نماید، اما در تحقیقات کیفی شرط لازم و ضروری برای جمع‌آوری داده‌ها، حضور محقق در زمینه است. بطوری که بر حسب روش انتخاب شده برای تحقیق، محقق سعی می‌کند با شرکت طولانی و مشاهدات مداوم، اعتبار داده‌ها را افزایش دهد. زمینه‌ها، علائق و تمایلات محقق و همچنین پرسش سؤالات مناسب در جمع‌آوری اطلاعات مربوط به پدیده مورد نظر تأثیر بسزایی دارد. بطور کلی تحقیقات کیفی شرایطی را برای محقق ایجاد می‌کند تا موضوع مورد بررسی را از زوایای مختلف مورد مطالعه قرار دهد. بنابراین محقق باید از آن‌ها آگاه بوده و در مواردی با استفاده از پراتزگذاری از تورش داده‌های جمع‌آوری شده جلوگیری نماید.

یکی از محدودیت‌های مطالعه حاضر، کمبود مقاله در حیطه مربوط به نقش محقق بود. در صورتی که مقالات بیش‌تری وجود داشت و مستقیم این مقوله را مورد بررسی قرار می‌داد، نتایج غنی‌تری بدست می‌آمد.

می‌دهد (Johnson, 2009). اعمال نظر محقق در نمونه‌گیری نیز ظاهر می‌شود؛ چراکه محقق است که تصمیم می‌گیرد نمونه‌گیری تنها در مرحله جمع‌آوری داده‌ها صورت گیرد یا در مراحل بعدی یعنی تحلیل داده‌ها یا تدوین گزارش نیز اتفاق بیفتد. تجربیات پیشین محقق نیز در این قسمت که چه زمانی جمع‌آوری اطلاعات را متوقف نماید و به تلفیق موارد بیش‌تر ادامه ندهد، کمک می‌کند. به عبارتی دیگر، این محقق است که تصمیم می‌گیرد که به نقطه اشباع رسیده است یا خیر و از این طریق فضا برای عاملیت انسان در محیط تحقیق فراهم شده است (Nourouzi and Bidhendi, 2010).

تحقیقات کیفی یک نگرش و شیوه منظم برای توصیف تجربیات زندگی و معنا دادن به آن‌هاست. تعامل محقق با آزمودنی‌ها و سایر افراد دیگر در پژوهش بیش‌تر و پررنگ‌تر از پژوهش‌های کمی است. برای مثال، بهره‌گیری از مصاحبه‌های باز در این روش تحقیق، نیازمند آن است که محقق در تکمیل پرسشنامه و یا پاسخ‌گویی به سؤالات تعامل بیش‌تری با فرد مصاحبه‌شونده داشته باشند. در مطالعات مردم‌نگاری این مسئله اهمیت بیش‌تری می‌یابد، زیرا محقق مدت زمان طولانی را در میدان تحقیق حضور داشته باشد و با اعضای جامعه زندگی کند. در واقع، محققان و چگونگی تعامل آنان در میدان پژوهش از اصلی‌ترین ابزار جمع‌آوری و درک اطلاعات است، چراکه آن‌ها در تعاملات خود با افراد مصاحبه‌شونده نقش کاملاً خنثی یا بی‌طرفانه‌ای را ندارند و در برخی از شرایط نیاز است نقش‌های خاص یا موقعیت‌هایی را بطور خواسته یا ناخواسته بپذیرند یا در آن قرار گیرند تا اطلاعات یا داده‌های دقیق‌تری را برای دستیابی به درک درست از موضوع مورد مطالعه بدست آورند (Nourouzi and Bidhendi, 2010).

تحقیقات کیفی، با طرح سؤالاتی سعی در درک مفهوم ابعاد، تجربیات مختلف زندگی و محیط اجتماعی انسان دارد. این سؤالات، فرصت‌هایی را برای درک بهتر تحقیق کیفی فراهم می‌آورد (Khanifar and Zarvandi, 2010). پژوهشگر در طی انجام تحقیقات کیفی، قادر نیست که تمام افکار، احساسات،

REFERENCES

- Abedi H A (2010) [Application of phenomenological research in clinical sciences]. Journal of Rahbord 19(54) 207-24. (persian)
- Alvandi S M and Boudlaei H (2010) [Phenomenology in entrepreneurship studies]. Iranian Journal of Management Sciences 5(19) 33-61. (persian)
- Bogdan R and Biklen S K (1997). Qualitative research for education, Fourth Edition, New York, Allyn & Bacon, 1997

- Briggs D (2013) Emotions, ethnography and crack cocaine users. *Emotion, Space and Society* 7(13) 1-12
- Brockopp D Y and Hastings-Tolsma M T (2003) *Fundamentals of nursing research*, Third Edition, Massachusetts, Jones & Bartlett Learning.
- Burns N Grove S K (2010) *Understanding nursing research: Building an evidence-based practice*, 5th Edition, Philadelphia, Elsevier Health Sciences.
- Corbin J and Strauss A (2014). *Basics Of Qualitative Research: Techniques And Procedures For Developing Grounded Theory*, Fourth Edition, New York, Sage publications.
- Delavar A (2009) [Qualitative methodology]. *Journal of Rahbord*. 19(54) 307-29. (persian)
- Dempsey P A and Dempsey A D (2000) *Using nursing research: Process, critical evaluation, and utilization*. 5th Edition, Philadelphia, Lippincott Williams & Wilkins.
- Emami S A, Dehghan Nayeri N, Rahnavard Z et al. (2012) [Qualitative research methodology: phenomenology]. *Holistic Nursing and Midwifery* 22(68) 56-63. (persian)
- Feyz D (2010) [The strategic analysis of the role of qualitative research in the country and strategies for its development by SWOT model]. *Journal of Rahbord* 19(54) 169-85. (persian)
- Gall M D, Borg W R, Gall J P (1996) *Educational research: An introduction*. 6th Edition, London, Longman Publishing.
- Goetz J P and LeCompte M D (1984) *Ethnography and qualitative design in educational research*. Second Edition, United States, Academic Press Orlando, FL.
- Hallberg L R (2006) The “core category” of grounded theory: Making constant comparisons. *International Journal of Qualitative Studies on Health and Well-being* 1(3) 141-48.
- Iman M T Noshadi M R (2011) [Qualitative content analysis] *Journal of Pazhuhesh* 3(2) 15-44. (persian)
- Johnson N (2009) The role of self and emotion within qualitative sensitive research: A reflective account. *Enquire* 2(2) 191-214
- Khanifar H and Zarvandi N (2010) [Qualitative research: A new approach in management studies]. *Journal of Rahbord* 19(54) 243-56. (persian)
- Kondracki N L, Wellman N S and Amundson D R (2002) Content analysis: Review of methods and their applications in nutrition education. *Journal of Nutrition Education and Behavior* 34(4) 224-30
- Krauss S E (2005) *Research paradigms and meaning making: A primer*. *The Qualitative Report* 10(4) 758-70
- Krippendorff, K. (2012). *Content analysis: An introduction to its methodology*, New York, Sage Publications
- Lombard M, Snyder-Duch J and Bracken C C (2002) Content analysis in mass communication. *Human Communication Research* 28(4) 587-604
- Monadi M (2010) [Qualitative methods and theorization]. *Journal of Rahbord* 19(54) 107-34 (persian)
- Nourouzi R A and Bidhendi M (2010) [Human agency in qualitative approach to research]. *Journal of Rahbord* 19(54) 187-206. (persian)
- Pope C, Ziebland S and Mays N (2000) Qualitative research in health care: Analysing qualitative data. *BMJ: British Medical Journal* 320(7227) 114-6

- Ranjbar H, Haghdoost A A, Salsali M, et al. (2012) [Sampling in qualitative research: A Guide for beginning]. Journal of Army University of Medical Sciences 10(3) 238-250. (Persian)
- Rouhani H (2010) [Qualitative research: Background and approaches]. Journal of Rahbord 19(54) 7-29. (persian)
- Soleimani M A, Negarandeh, R and Bastani F (2015) [Exploring for self-care Process in patients with parkinson's disease: A grounded theory study]. Hayat 21(1) 6-22. (persian)
- Soleimani M A, Negarandeh R, Bastani F, et al. (2014) Disrupted social connectedness in people with Parkinson's disease. British Journal of Community Nursing 19(3) 136-4.
- Speziale H S, Streubert H J and Carpenter D R (2011) Qualitative research in nursing: Advancing the humanistic imperative, Philadelphia, Lippincott Williams & Wilkins.
- Steen M and Roberts T (2011) The handbook of midwifery research. 1st Edition, New Jersey, John Wiley & Sons.
- Weeks M R and Schensul J J (2014) Ethnographic Research on AIDS Risk Behavior and the Making of Policy. Speaking the Language of Power: Communication, Collaboration and Advocacy (translating Ethnology Into Action) 50.
- Yin R K (2013) Case study research: Design and methods, 5th Edition, New York, Sage publications.

Archive of SID

Researcher as an Instrument in Qualitative Research: Challenges and Opportunities

Nasim Bahrami¹, Mohammad Ali Soleimani*², Ameneh Yaghoobzadeh³, Hadi Ranjbar⁴

1. Instructor, Social Determinants of Health Research Center, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran
 2. Assistant Professor, Social Determinants of Health Research Center, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran
(Corresponding Author)
 3. Master student of Geriatric Nursing, Social Determinants of Health Research Center, Qazvin University of Medical Sciences, Qazvin, Iran
 4. Instructor, Research Center for Modeling in Health, Institute for Futures Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran
- Corresponding author: soleimany.msn@gmail.com

Abstract

Background and aim:

Researchers, in qualitative researches, both influences on and take effect from the research process. One of the main issues in qualitative research is validity of the researcher as an instrument of data collection. If the researcher does not have enough validity in the data collection, the results of the study will also not be cited. The researcher as instrument provides an opportunity for researchers to enter into the unknown world of individual about the phenomena in question and sometimes faced many challenges in reaching this goal. This study has been reviewing the opportunities and challenges of researchers as an instrument in the qualitative research.

Materials and methods:

This was a review study on the methodology of qualitative research. Using keywords including qualitative research, instrument, challenges, and opportunities, articles and available books were investigated in PubMed, Scopus, Science Direct, Proquest, Magiran, SCI, IranDoc, SID, Medlib, IranMedex databases with no time limit. The Quality of the articles was assessed by using the McMaster Critical Review Form for Qualitative studies.

Findings:

Studies over 12 books and 18 articles showed that the role of the researcher can be varied in different qualitative research designs such as phenomenology researches, grounded theory, ethnography, and content analysis researches. Also previous experience and skills in the process of observation and interview, having effective communication and asking the appropriate questions have an important impact on the role of researchers as a key factor in qualitative research.

Conclusions:

Researchers have the main role, especially in data gathering of different types of qualitative researches. Actually they are factors that validate the data. Experience and skills, ability to communicate, asking the right questions are the most important factors that have an influence on doing qualitative research in an appropriate ways.

Key words:

Qualitative Research, Instrument, Challenge, Opportunity